

عوامل گرایش زنان و مردان متأهل به رابطه نامشروع جنسی

ملیحه شیردل*

طرح مسأله: زندگی مشترک نیز مانند هر امر و پدیده دیگر، آسیب‌ها و آفت‌های خاص خود را دارد و یکی از آسیب‌های عمده زندگی مشترک، وجود رابطه نامشروع است، در این میان مسأله‌ای که نظر پژوهشگر را به خود جلب کرده، این است که چه عواملی موجب گرایش زنان و مردان متأهل به رابطه نامشروع جنسی می‌شود؟

روش: پژوهش حاضر از نوع مطالعات پیمایشی یا زمینه‌یابی است که پژوهشگر در آن با توجه به ویژگی‌های جامعه‌شناختی و روان‌شناختی، به پژوهش درباره آن‌چه مردم درباره رابطه نامشروع می‌اندیشند و آن‌چه انجام می‌دهند و روابط بین متغیرهای روانی و اجتماعی می‌پردازد.

یافته‌ها: یافته‌ها بیان‌گر این مطلب است که عوامل نارضایتی جنسی در روابط زناشویی، نارضایتی عاطفی در روابط زناشویی، حس انتقام‌جویی نسبت به بی‌وفایی همسر و تنوع‌طلبی، در گرایش زنان و مردان متأهل به روابط نامشروع جنسی موثر هستند.

نتایج: نتایج در این پژوهش نشان داد که مردان بیش از زنان به رابطه نامشروع گرایش دارند و مهم‌ترین عامل در گرایش آن‌ها به رابطه نامشروع، انگیزه‌های هیجانات جنسی، نارضایتی از روابط عاطفی و عدم توانایی در حل تعارضات زناشویی است.

کلید واژه‌ها: تنوع‌طلبی، انتقام‌جویی، رابطه جنسی، رابطه عاطفی، رابطه نامشروع جنسی

تاریخ پذیرش: ۱۵/۹/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۵/۲/۲۸

مقدمه

زندگی مشترک نیز مانند هر امر و پدیده دیگر، آسیب‌ها و آفت‌های خاص خود را دارد و یکی از این آسیب‌های بزرگ و عمده زندگی مشترک، وجود رابطه نامشروع است (کاوه، ۱۳۸۳). می‌دانیم که رابطه نامشروع جنسی از دیرباز تاکنون ادامه دارد، یعنی از زمانی که پیوند ازدواج در جامعه مجاز شمرده شد. از لحاظ تاریخی - قبل از اسلام - از وقتی روابط نامشروع جنسی در ده فرمان موسی از جمله گناهان شمرده شد، این مسأله اهمیت یافت. این واقعیت که رابطه نامشروع جنسی کار خطایی است و حتی گناه شمرده می‌شود، از طریق جامعه در وجود ما کاشته شده است و در فرهنگ و دین ما وجود دارد و ما با آن بزرگ می‌شویم. به رغم تکفیر اجتماعی و دینی رابطه نامشروع، این پدیده همیشه مطرح بوده و با ما است (Layton Tholl, 2003). بی‌وفایی و خیانت، چنانچه در خانواده‌ای روی دهد، بیش از همه همسری را که مورد بی‌وفایی واقع شده، مورد آسیب قرار خواهد داد و موجب مختل شدن بهداشت روان و از دست دادن تعادل عاطفی و رفتاری وی خواهد شد. در این میان، فرزندان نیز از آسیب‌های وارد شده به ساختار خانواده بی‌نصیب نخواهند ماند (کاوه، ۱۳۸۳).

البته بی‌وفایی و خیانت از اموری است که نیاز است تحقیقات و پژوهش‌های بیشتری در مورد آن انجام گرفته و به بررسی علل آن پرداخته شود و نتایج آن به صورت گسترده در اختیار عموم، به ویژه همسران قرار گیرد، تا از مواهب آن بهره‌مند شوند (کاوه، ۱۳۸۳).

۱) طرح مسأله

احتمالاً هر مشاور در خانواده درمانی یا زوج درمانی، با ضربه روحی و مخرب عواطف و روابط زناشویی بعد از کشف رابطه نامشروع روبرو شده است (Rubinstein & Ivanir, 1999). طبق آخرین اخبار آمارگیری ۱۷ درصد طلاق‌ها در آمریکا در اثر بروز روابط نامشروع بوده است و ۷۰ درصد زنان دارای همسر و ۴۵ درصد مردان دارای همسر از رابطه نامشروع همسرانشان بی‌اطلاع بوده‌اند (Lyton tholl, 2003). در کشورهای مختلف درباره عوامل و

دلایل وجود پدیده رابطه نامشروع و روش‌های درمان و پیشگیری آن تحقیقات و نظریات مختلفی بیان شده است؛ اما در کشورمان هنوز پژوهش علمی و چشمگیری در این زمینه نشده است و ما هنوز به درستی نمی‌دانیم که آثار مخرب این پدیده چگونه محیط خانواده را که محیط عاطفی و مدرسه حقیقی مهر و محبت است، تهدید می‌کند.

در این میان مسأله‌ای که نظر پژوهشگر را به خود جلب کرده است، این است که: چه عواملی موجب گرایش زنان و مردان متأهل به رابطه نامشروع جنسی می‌شود؟

با توجه به ویژگی‌های مسأله پژوهش، به دنبال مسأله و پرسش اصلی و همچنین با توجه به شواهد، عقاید و نظریات متخصصان و کارشناسان، پرسش‌های زیر مطرح می‌شود:

الف) آیا نارضایتی از روابط جنسی همسران موجب گرایش آنان به روابط نامشروع می‌شود؟
ب) آیا نارضایتی از روابط عاطفی همسران موجب گرایش آنان به روابط نامشروع می‌شود؟
ج) آیا عدم اطمینان و سوء ظن نسبت به همسر و حس انتقام‌جویی نسبت به وی موجب گرایش زن و شوهر به روابط نامشروع می‌شود؟

د) آیا نوعی تنوع‌طلبی بعضی از زن و شوهران موجب گرایش آنان به روابط نامشروع می‌شود؟

ه) آیا بین گرایش به روابط نامشروع با مدت زمانی که از ازدواج افراد می‌گذرد، رابطه وجود دارد؟

و) آیا دلایل گرایش به روابط نامشروع در بین زنان و مردان متأهل متفاوت است؟

ز) آیا میزان گرایش به روابط نامشروع در میان زنان و مردان متأهل متفاوت است؟

۲) سوابق پژوهشی

در کشور ما، معمولاً مسائل مربوط به رابطه نامشروع جنسی، از بُعد اعتقادی و مذهبی مورد بررسی قرار گرفته است و این موضوع به صورت تخصصی و علمی و این‌که چگونه به وجود می‌آید، چگونه ادامه پیدا می‌کند و چه آسیب‌هایی برای اعضای خانواده دارد، چگونه درمان می‌شود و چگونه پیشگیری می‌شود، مورد توجه نبوده است. طبق بررسی‌ها

و نظریات مشاوران و روان‌شناسان که در زمینه رابطه نامشروع جنسی به مطالعه و تحقیق پرداخته‌اند، عوامل مختلفی می‌تواند موجب گرایش افراد به رابطه نامشروع جنسی شود. در ادامه، به بررسی برخی از این عوامل می‌پردازیم.

۱-۲) نارضایتی از روابط عاطفی و عدم صمیمیت میان زوجین

در میان برخی از زوجین به مرور زمان یک نوع جدایی عاطفی و روابط کور به وجود می‌آید و راحت‌تر به جدایی عاطفی تن می‌دهند. تحریک نشدن و عدم کنجکاوی نسبت به مسائل فردی دیگر موجب می‌شود فرصت ایجاد روابط جدید جنسی و سایر روابط عاطفی و گشودن راه‌های جدید بین دو زوج پیش نیاید و در این میان، زوجین برای رسیدن به روابط عاطفی مناسب و ارضای احساسات و عواطف ممکن است به روابط نامشروع روی آورند (Rubinstein & Ivanir, 1999).

۲-۲) نارضایتی از رابطه جنسی

بعضی زوجها در این موارد از روبرو شدن با مشکلی که دارند، می‌گریزند و به درمان آن می‌پردازند. نبودن میل جنسی، ناکارآمدی جنسی مانند ناتوانی در روابط جنسی مطلوب و زودانزالی به طور مزمن، امتناع از عشق‌بازی و رفتار جنسی، عدم تحریک‌پذیری جنسی، دیر ارضاء شدن، عدم توانایی در اظهار عشق جسمی و عاطفی مسائلی هستند که بیشتر مطرح می‌شوند. در این موارد زوجین به جای درمان مشکل موجود در رابطه جنسیشان، به دلیل ناآگاهی یا احساس شرم و یا دلایل دیگر، مشکل را حل نشده رها کرده و نیاز خود را با ایجاد رابطه نامشروع جبران می‌کند (اسپرینگ، ۱۳۸۰).

۳-۲) تنوع‌طلبی

عده‌ای از افراد معتقدند که انسان در مدت طولانی نمی‌تواند روابط جنسی خود را به شکل تک همسری ادامه دهد و وفاداری به همسر یک عقیده غیرعادلانه و قدیمی است. بنابراین

می‌توان گفت در بعضی موارد، چیزی که به یک رابطه نامشروع عشقی می‌انجامد، نیاز به تجربه شور و عشق زیاد و میل به تجربه کردن یک رابطه جنسی جدید و ممنوع می‌باشد (Rubinstein & Ivanir, 1999).

۴-۲) انتقام‌جویی از همسر بی‌وفا

زمانی است که یکی از زوج‌ها دارای رابطه نامشروع است و زوج قربانی برای برانگیختن حس حسادت و انتقام‌جویی از همسرش به رابطه نامشروع روی می‌آورد. (Lyton tholl, 2003) همسری که مورد بی‌وفایی قرار می‌گیرد، احساس اجحاف شدیدی می‌کند. چنین احساسی افکار مختلفی را به ذهن می‌آورد و واکنش‌های متفاوتی را می‌تواند به همراه داشته باشد که گاهی اوقات نیز افکاری در ارتباط با گرفتن انتقام و مقابله به مثل به ذهن همسری که مورد بی‌وفایی قرار گرفته، خطور می‌نماید (کاوه، ۱۳۸۳). در کشورهای دیگر، پژوهش‌هایی انجام گرفته که نتایج چند نمونه از آنها به شرح ذیل است.

در سال ۱۹۹۲، مرکز پژوهش افکار عمومی ملی مستقر در دانشگاه شیکاگو، مطالعه‌ای در سطح ملی ایالات متحده آمریکا انجام داد که در آن از ۳۴۳۲ مرد و زن در سنین ۱۸ تا ۵۹ سال سؤال شد: «آیا تا به حال با کسی غیر از همسر فعلی خود آمیزش جنسی داشته‌اید؟». تعداد مردانی که به این سؤال پاسخ مثبت داده بودند، بین ۷/۱ درصد (گروه سنی ۱۸ تا ۲۹ سال) تا ۳۷ درصد (گروه سنی ۵۰ تا ۵۹ سال) و تعداد زنانی که پاسخ مثبت داده بودند بین ۱۱/۷ درصد (گروه سنی ۱۸ تا ۲۹ سال) و ۱۹/۹ درصد (گروه سنی ۴۰ تا ۴۹ سال) بود. تنها ۱۲ درصد از زنان گروه سنی ۵۰ تا ۵۹ ساله به داشتن روابط جنسی نامشروع پاسخ مثبت داده بودند. از مجموع نتایج به‌دست آمده، میانگین گرفته شد تا افراد جوان‌تر با سابقه ازدواج کوتاه‌تر با افراد پیرتری که سابقه ازدواج طولانی‌تر داشتند، در هم ادغام شدند. پژوهشگران نتیجه‌ای به‌دست نیاوردند. آنها صرفاً بر روی نمودار نشان دادند که حدود ۲۵ درصد از مردان متأهل و ۱۵ درصد از زنان متأهل حداقل یک مورد رابطه نامشروع را در

طول زندگی زناشویی خود گزارش کرده بودند (Louman, 1994).

وسیمن و همکاران در یکی از بررسی‌های اخیر، نمونه تصادفی زوج درمان‌های شاغل در این رشته، که همگی از اعضای اتحادیه روان‌شناسی آمریکا با اتحادیه کارشناسان زوج درمانی و خانواده درمانی هستند، روابط نامشروع جنسی خارج از محدوده زناشویی را به عنوان سومین مشکل بفرنج و دشوار از نظر درمانی و دومین مشکل مخربی که زوج‌ها با آن روبه‌رو هستند، ارزیابی کردند. بعلاوه، آن‌ها گزارش کردند که خیانت به زندگی زناشویی، مسأله تقریباً ۳۰ درصد از زوج‌های تحت درمان آنان است.

گلس و رایت (۱۹۸۵) در تحقیق خود متوجه شدند که ۵۶ درصد از مردان و ۲۴ درصد از زنان مورد مطالعه، در عین داشتن رابطه جنسی خارج از محدوده زناشویی، اعلام داشتند ازدواج موفق و خوبی دارند؛ در حالی که در مورد مفهوم «ازدواج موفق» مغلطه‌ای صورت گرفته است. دیوید باس (David Buss, 1992)، در مطالعات خود به این نتیجه رسید که زنان بیشتر از درگیری عاطفی شوهرشان با زنان دیگر و مردان بیشتر از درگیری جنسی زن خود با دیگران دچار تشویش خاطر می‌شوند. او با قرار دادن چند الکتروود بر روی سر مردان و زنان متوجه شد که وقتی مردان زن خود را در حال آمیزش جنسی با مردان دیگر تصور کردند، به تعریق افتادند و بلافاصله ضربان قلبشان بالا رفت. وقتی آن‌ها زن خود را در بند عشقی افلاطونی با مرد دیگری تصور کردند، آرام‌تر شدند، ولی کاملاً به سطح عادی خود برنگشتند. پاسخ زنان برعکس بود. وقتی بی‌وفایی همسرشان را مجسم کردند، علائم زجر فیزیولوژیک آن‌ها شدیدتر از زمانی بود که آن‌ها را در حال خیانت جنسی مجسم کرده بودند.

یک نمونه‌برداری تصادفی که در سال ۱۹۸۹ به عمل آمد، نشان داد که ۶/۴ درصد افرادی که ازدواج کرده‌اند و همسر دارند، اعتراف کرده‌اند که رابطه نامشروع داشته‌اند.^۱

۱. رجوع کنید به: <<http://appl.chinadaily.com>>

۳) روش

۳-۱) نوع مطالعه

مسئله رابطه نامشروع جنسی زنان و مردان متأهل یک پدیده اجتماعی و روان‌شناختی است که در مطالعه حاضر، با توجه به ویژگی‌های جامعه‌شناختی همچون جنس، سن، مدت ازدواج و ویژگی‌های جامعه‌شناختی، به مطالعه درباره آن‌چه مردم درباره رابطه نامشروع می‌اندیشند و آن‌چه که انجام می‌دهند، پرداخته شده است. از این‌رو، پژوهش حاضر، نوعی مطالعه پیمایشی یا زمینه‌یابی است.

۳-۲) جامعه آماری و روش نمونه‌گیری

براساس ارزیابی مکان‌هایی که احتمال تجمع زنان و مردان متأهل در آن‌جا داده می‌شد و امکانات و توانمندی‌های موجود، افراد مورد مطالعه، با روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای انتخاب شدند.

جامعه آماری عبارت است از زنان و مردان متأهل شهرستان بجنورد که از سال ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۳ در این شهر ساکن بودند و بین یک تا بیست سال از زمان ازدواجشان می‌گذرد. بر این اساس، جمعیت نمونه شامل ۴ گروه از زنان و مردان متأهل شهرستان بجنورد به قرار زیر بود:

گروه اول: ۵۰ نفر زنان متأهل شهرستان بجنورد که دارای حداقل مدرک تحصیلی دیپلم متوسطه هستند، وضعیت اقتصادی متوسط و مدت ۱ تا ۱۰ سال از زمان ازدواج آنان می‌گذرد.

گروه دوم: ۵۰ نفر زنان متأهل شهرستان بجنورد که دارای حداقل مدرک تحصیلی دیپلم متوسطه هستند، وضعیت اقتصادی متوسط و مدت ۱۱ تا ۲۰ سال از زمان ازدواجشان می‌گذرد.

گروه سوم: ۵۰ نفر مردان متأهل شهرستان بجنورد که دارای حداقل مدرک تحصیلی

دیپلم متوسطه هستند، وضعیت اقتصادی متوسط و مدت ۱ تا ۱۰ سال از زمان ازدواج آنان می‌گذرد.

گروه چهارم: ۵۰ نفر از مردان متأهل شهرستان بجنورد که دارای حداقل مدرک تحصیلی دیپلم متوسطه هستند، وضعیت اقتصادی متوسط و مدت ۱۱ تا ۲۰ سال از زمان ازدواجشان می‌گذرد.

به طور کلی نمونه مورد مطالعه را ۲۰۰ نفر (۱۰۰ نفر زن و ۱۰۰ نفر مرد) تشکیل داده است.

۳-۳) متغیرها

«گرایش به رابطه نامشروع جنسی» به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شد و متغیرهای مستقل عبارت بودند از: «رضایت جنسی از روابط زناشویی»، «رضایت عاطفی در روابط زناشویی»، «سوءظن نسبت به وفاداری همسر و حس انتقام‌جویی از وی» و «تنوع‌طلبی». در مرحله دوم، روابط بین متغیرهای مستقل و وابسته با توجه به متغیرهای کنترل «وضعیت اقتصادی»، «میزان تحصیلات» و «مدت ازدواج»، مورد بررسی قرار گرفتند.

۳-۴) ابزار جمع‌آوری داده‌ها

ابزار جمع‌آوری داده‌ها، پرسشنامه محقق ساخته به نام «سنجش میزان گرایش افراد به رابطه نامشروع جنسی» است که به روش لیکرت ساخته شده و به‌طور غیرمستقیم از آزمودنی‌ها نظرخواهی می‌شود. این پرسش‌نامه دارای ۵۲ سؤال و ۸ خرده‌آزمون است.

قبل از اجرای طرح اصلی، ۲۱ پرسش‌نامه (۱۰ زن و ۱۱ مرد) برای برآورد اعتبار و روایی اجرا شده و توسط پنج متخصص روان‌سنج، جامعه‌شناس و مشاور مورد بررسی قرار گرفت و ارزیابی و تصحیح شد. اعتبار هر یک از خرده‌آزمون‌ها نیز از طریق ضریب آلفای کرانباخ، بیش از ۸۰ صدم به‌دست آمد.

۳-۵) روش اجرا

پس از به دست آوردن اعتبار و پایایی پرسشنامه و انتخاب نمونه، پرسشنامه‌ها همراه با یک پاسخنامه و پاکت جداگانه، به تعداد ۱/۵ برابر حجم مورد نیاز، در بین شهروندان بجنوردی که ویژگی‌های مورد نظر را دارا بودند، اجرا شد.

۳-۶) روش تحلیل

داده‌های موجود در پرسشنامه‌های جمع‌آوری شده وارد برنامه نرم‌افزاری SPSS11 شد و اطلاعات نهایی براساس اهداف طرح و فرضیه‌ها تحلیل و بررسی شد. برای بررسی ارتباط بین متغیرهای مستقل رضایت از روابط جنسی، رضایت از روابط عاطفی، سوء ظن نسبت به وفاداری همسر و تنوع‌طلبی با متغیر وابسته گرایش به روابط نامشروع جنسی، از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد و در مرحله بعدی با استفاده از آزمون تحلیل واریانس دو طرفه و میانگین، تأثیر عوامل و ویژگی‌های جمعیت‌شناختی از قبیل جنسیت و مدت زمان ازدواج بر متغیرهای مستقل و وابسته مورد بررسی قرار گرفتند.

۳-۷) ملاحظه‌های اخلاقی

نظر به این‌که این پژوهش به عرصه‌های زندگی خصوصی آزمودنی‌ها نزدیک گردیده، نهایت تلاش بر آن بوده است که پاسخ‌گویان در معرض معرفی قرار نگیرند.

۴) یافته‌ها

نتایج حاصل از تحلیل داده‌ها در جداول شماره ۱ تا ۳ آمده است.

جدول ۱: نتایج آزمون همبستگی پیرسون متغیرهای مستقل

متغیر مستقل	گرایش به رابطه نامشروع	جنسیت	سطح آلفا
رضایت جنسی در روابط زناشویی	- ۰/۲۳۵	زن	۰/۰۵
	- ۰/۵۳۳	مرد	۰/۰۰
رضایت عاطفی در روابط زناشویی	- ۰/۳۴۰	زن	۰/۰۰۱
	- ۰/۲۶۶	مرد	۰/۰۰۷
سوء ظن نسبت به وفاداری همسر	۰/۲۴۵	زن	۰/۰۱
	۰/۴۸۵	مرد	۰/۰۰
تنوع طلبی	۰/۰۷	زن	۰/۴۸۷
	۰/۴۷۷	مرد	۰/۰۰

جدول ۲: نتایج آزمون تحلیل واریانس دوطرفه متغیرهای وابسته

متغیر وابسته	متغیر مستقل	F	α	d.f
رضایت از روابط جنسی	اثر متغیر جنسیت	۱/۹۴	۰/۱۶	۱
	اثر متغیر مدت ازدواج	۰/۰۷۸	۰/۷۸	۱
	تعامل دو متغیر	۰/۵۹	۰/۴۴	۱
رضایت از روابط عاطفی	اثر متغیر جنسیت	۲/۷۲	۰/۱۰	۱
	اثر متغیر مدت ازدواج	۰/۰۵۷	۰/۸۱	۱
	تعامل دو متغیر	۰/۵۵	۰/۴۵	۱
سوء ظن نسبت به وفاداری همسر	اثر متغیر جنسیت	۲/۳	۰/۱۳	۱
	اثر متغیر مدت ازدواج	۰/۶۸	۰/۴۰	۱
	تعامل دو متغیر	۰/۶۲	۰/۲۳	۱
تنوع طلبی	اثر متغیر جنسیت	۶۱۲/۸۷	۰/۰۰	۱
	اثر متغیر مدت ازدواج	۹/۴۱	۰/۰۰۲	۱
	تعامل دو متغیر	۴۱/۳۰	۰/۰۰	۱
گرایش به رابطه نامشروع	اثر متغیر جنسیت	۲۲/۳۲	۰/۰۰	۱
	اثر متغیر مدت ازدواج	۰/۲۳	۰/۶۲	۱
	تعامل دو متغیر	۰/۳۴	۰/۰۶	۱

جدول ۳: میانگین متغیرهای وابسته

متغیر وابسته	مدت ازدواج	جنسیت	میانگین
رضایت از روابط جنسی	۱-۱۰ سال	زن	۳۷/۷۲
		مرد	۳۸/۳۰
	۱۱-۲۰ سال	زن	۳۶/۷۴
		مرد	۳۸/۷۶
رضایت از روابط عاطفی	۱-۱۰ سال	زن	۳۳/۶۸
		مرد	۳۴/۴۴
	۱۱-۲۰ سال	زن	۳۲/۸۶
		مرد	۳۴/۸۴
سوء ظن نسبت به وفاداری همسر	۱-۱۰ سال	زن	۴۲/۲۳
		مرد	۴۴/۲۰
	۱۱-۲۰ سال	زن	۳۸/۵۲
		مرد	۴۰/۲۱
تنوع طلبی	۱-۱۰ سال	زن	۱۸/۷۶
		مرد	۴۲/۳۴
	۱۱-۲۰ سال	زن	۲۱/۳۰
		مرد	۳۵/۱۶
گرایش به رابطه نامشروع	۱-۱۰ سال	زن	۴۹/۷۰
		مرد	۵۸/۴۸
	۱۱-۲۰ سال	زن	۵۲/۸۰
		مرد	۵۶/۶۸

(۵) بحث و نتیجه گیری

اگر معیارها و رفتارهای جنسی در مرد و زن خیلی با هم تفاوت داشته باشد، می‌تواند مشکلاتی ایجاد کند، در صورتی که اگر تمایل جنسی با هم سلیفگی همراه باشد، پایه‌ای

برای یکی از سعادتمندترین روابط زندگی می‌شود و احساس علاقه بر مبنای اهمیت محض بنا می‌گردد (پروینیان، ۱۳۸۳). یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که احتمالاً زنان و مردانی که گرایش به رابطه نامشروع دارند، از روابط جنسی با همسرشان رضایت ندارند.

تحقیقات انجام شده نشان می‌دهد که مسأله جنسی از لحاظ اهمیت در ردیف مسائل درجه اول قرار دارد (امینی قمی، ۱۳۸۰). سائق جنسی تنها رابطه حساس بین فردی است که احتمالاً در جامعه ما به اندازه کافی مجال آموزش نظری و عملی برای آن فراهم نشده است (پروینیان، ۱۳۸۳). زنان و مردان ما در جامعه سنتی، هنوز به وظایف خود درباره فراهم آوردن لذت برای دیگری، آگاهی ندارند. معمولاً آمیزش به زور و به صورت یک طرفه انجام می‌گیرد (همان منبع).

لذت جنسی، یکی از لذات قوی در انسان است که اگر برآورده نشود، ممکن است فرد را به واکنش‌های منفی که یکی از آنها ایجاد و برقراری رابطه نامشروع است، سوق دهد. بعضی از زنان و مردان حاضر نیستند تا آخر عمر، نیاز جنسی خود را سرکوب کنند و از طرفی، به دلیل ارزش‌های اجتماعی و شرم و خجالت - که ریشه آن باید شناخته شود - از اعتراض کردن، بیان نیاز جنسی خود و راه‌های عملی درمان پرهیز می‌کنند و هنگامی که زمینه مناسبی ایجاد شود، نیاز سرکوب شده خود را با ایجاد رابطه نامشروع جبران می‌کنند (Rubinstein & Ivanir, 1999).

در روابط ناقص جنسی مرد و زن، زن و شوهر هر دو از رابطه جنسی لذت نمی‌برند و شادابی، رسیدن همزمان زن و شوهر به ارگاسم، آرامش و آسودگی هنگام مقاربت و معاشقه قبل از سکس، سیر نزولی داشته (Rubinstein, 1997) و در نتیجه این نارضایتی، زمینه‌ای برای گرایش آن‌ها به رابطه نامشروع می‌شود. زنان و مردان در بعضی جوامع سنتی هنوز نیاموخته‌اند که مشکلات مقاربتی نیز راه درمان دارد و می‌توانند با مشاوره و درمان، این مشکل را حل کنند و گاهی نیز در مراحل درمانی همکاری نمی‌کنند و به اشتباه، تحت تأثیر یادگیری‌های اجتماعی، راه دوم را انتخاب کرده و به روابط نامشروع گرایش پیدا می‌کنند.

بر اساس یافته‌های این پژوهش احتمالاً زنان و مردانی که به رابطه نامشروع گرایش دارند، در بعضی موارد، از روابط عاطفی با همسرشان رضایت ندارند. نیاز به دوست داشتن و دوست داشته شدن از نیازهای اساسی انسان است و برآورده نشدن آن موجب آسیب فرد می‌شود (شولتس، ۱۳۶۲) که یکی از این آسیب‌ها، انتخاب روش نامناسب برآورده کردن این نیاز است. بنابراین می‌توان گفت احتمالاً ناتوانی در حفظ روابط عاطفی و رضایت بخش با زوج در طی یک مدت طولانی، موجب بروز میل به ایجاد رابطه نامشروع می‌شود. نتیجه پژوهش دیپل لاتین تل (۲۰۰۳) نشان می‌دهد که از مجموع ۴۳۰۰ نفر که پرسشنامه مربوط به پژوهش را پر کرده‌اند، ۹۰ درصد افراد گفته‌اند نیازهای عاطفی که در رابطه زناشویی آن‌ها وجود نداشته، آن‌ها را به رابطه نامشروع کشانده است و انگیزه جنسی را تا این حد مهم ندانسته‌اند.

نتیجه آزمون فرضیه‌ها حاکی از آن است که احتمالاً در بعضی موارد زنان و مردان نسبت به وفاداری همسر خود سوء ظن دارند و یا به نوعی نسبت به وفاداری آن‌ها اعتماد ندارند، از نوعی مکانیزم دفاعی دلیل‌تراشی، که نام آن را انتقام‌جویی می‌گذارند، استفاده می‌کنند. معمولاً زمانی که پس از فاش شدن بی‌وفایی و خیانت همسر، بین دو زوج جدال و مشاجره زیاد می‌شود، و زن و شوهر به نتیجه نمی‌رسند، واکنشی همچون انتقام‌جویی به فکر همسر زخم‌خورده می‌رسد و گاهی نیز برای برانگیختن حس حسادت و جلب نظر و توجه همسر، اقدام به گرفتن انتقام و مقابله به مثل می‌کنند (کاوه، ۱۳۸۳).

در بعضی موارد نیز آموزش‌ها و یادگیری‌های دوران کودکی و تأثیر اطرافیان ممکن است در واکنش فرد به شکل انتقام‌جویی تأثیر داشته باشد. بعضی افراد آموخته‌اند که در برابر خیانت و یا هر رفتار منفی دیگر، مقابله به مثل کنند و واکنش منفی نشان دهند و این رفتار خود را با نوعی مکانیزم دفاعی دلیل‌تراشی توجیه می‌کنند؛ به عبارت دیگر، برای شکست‌ها، ناکامی‌ها، باخت‌ها یا رفتار ناسازگارانه‌شان، دلایلی به ظاهر موجه ارائه می‌دهند (اسپرینگ، ۱۳۸۰).

به‌طور کلی دقیقاً مشخص نیست که چه ویژگی‌های ارتباطی میان همسران وجود دارد

که آن‌ها را به چنین وضعیتی می‌رساند و برای آشکار نمودن این نکات، نیاز به تحقیق و پژوهش بیشتری داریم (کاوه، ۱۳۸۳).

یافته‌های این مطالعه نشان داد که احتمالاً زنان تنوع‌طلب نیستند و این عامل موجب گرایش آن‌ها به رابطه نامشروع نمی‌شود؛ در مقابل، مردان در روابط با غیرهمجنس تنوع‌طلب بوده و گرایش به برقراری روابط جدید و تجربه هیجان یک رابطه جنسی جدید دارند (Layton Tholl, 2003).

احتمالاً مردان گرایش بیشتری به کار ممنوع، پرهیجان و لذت یک رابطه جنسی جدید دارند و گاهی همین امر، موجب گرایش آن‌ها به رابطه نامشروع جنسی می‌شوند.

نتایج مطالعه نشان داد که مدت ازدواج و جنسیت در میزان نارضایتی جنسی و عاطفی در روابط زناشویی و حس انتقام‌جویی آن‌ها تأثیر معناداری ندارد. در مطالعه میزان تنوع‌طلبی افراد نتایج نشان داد که مردان تنوع‌طلب بوده و مردانی که مدت ۱ تا ۱۰ سال از زمان ازدواجشان می‌گذرد، تنوع‌طلب‌تر از مردانی هستند که مدت ۱۱ تا ۲۰ سال می‌گذرد. احتمال می‌رود مردان جوان‌تر هنوز تعهد لازم را نسبت به زندگی مشترک ندارند و در مقابل، مردان میان‌سال مدت زمان بیشتری را صرف ارتقاء شغلی و برآورده کردن نیازهای اعضای خانواده می‌کنند و شاید همین امر موجب شده است که در پژوهش حاضر مردان جوان‌تر از میزان تنوع‌طلبی در روابط جنسی نمرات بالاتری کسب کنند.

همچنین در آخرین فرضیه، نتایج بیانگر این مطلب است که مردان بیش از زنان به رابطه نامشروع جنسی گرایش دارند. اعتقادات و باورهای اجتماعی می‌تواند نقش مهمی در گرایش مردان به رابطه نامشروع داشته باشد، کما این‌که در جوامع سنتی، افراد نیاموخته‌اند که تعارضات زناشویی را حل کنند و دائم برای فرار از مسئولیت و حل مشکلات به مُسکِن‌های کاذب همچون اعتیاد، لذت یک رابطه جنسی جدید و ممنوع و مسائلی از این قبیل روی می‌آورند و باورهای اجتماعی نیز در مقابل، بر این رفتارهای ضد اجتماعی برچسب «موجه بودن» می‌زند.

علم روان‌شناسی و مشاوره توانسته است بسیاری از مشکلات فردی و زناشویی را حل کند. به دنبال سلامت خانواده و افراد، سلامت جامعه را نیز خواهیم داشت. متخصصان و

کارشناسان احتمالاً با بحران رابطه نامشروع در جامعه و جلسات مشاوره روبرو شده‌اند و می‌دانند که این بحران چگونه توانسته محیط امن خانه و بستر گرم خانواده را بیمار کند. با آگاهی بیشتر نسبت به عواملی که موجب گرایش افراد به رابطه نامشروع می‌شود و آگاهی بیشتر نسبت به چگونگی درمان این بحران، می‌توان به زوجها کمک کرد تا مشکل فوق را حل کرده، زندگی زناشویی موفق‌تر و محیط اجتماعی سالم‌تری را فراهم کنند.

برای پیشگیری از بروز بحران رابطه نامشروع در زندگی مشترک، می‌توان اقدامات اجرایی ذیل را انجام داد:

الف) آموزش قبل از ازدواج برای جوانان و زوجها درباره چگونگی برقراری روابط عاطفی، دوستانه و صمیمانه با همسر.

ب) در برخی از خرده‌فرهنگ‌ها، بخصوص در جوامع سنتی، زنان و مردان نسبت به نیازها، توانایی‌ها، ویژگی‌های جنسی و علایق یکدیگر آگاهی خیلی کمی دارند و عدم آگاهی، موجب بروز بسیاری از مشکلات زناشویی شده است. برای حل این بحران پیشنهاد می‌شود که با آموزش مهارت‌های ارتباطی و شناخت تفاوت‌های جنسیتی و روانی افراد و همچنین شناخت نیازهای روانی و جسمانی دو جنس (زن و مرد) برای جوانان و زوجها، کمک شود تا تعارضات زناشویی کاهش یابد.

ج) آموزش جوانان و زوجها درباره چگونگی برقراری روابط جنسی موفق و عواملی که در موفقیت این رابطه حساس و مهم نقش دارند.

د) بالا بردن سطح تعهد و سلامت روان در بین جوانان و زوجها. پژوهش حاضر می‌تواند زمینه‌ای باشد برای پژوهش‌های تخصصی‌تر درباره پدیده روابط نامشروع، تا این موضوع و نحوه درمان آن مورد توجه قرار گیرد و در نمونه‌ها و جوامع مختلف تحقیقاتی در این باره انجام گیرد. آگاهاندن مسئولین و خانواده‌ها از نتایج تحقیقات، جامعه و خانواده‌ها را در جهت سلامت و بهداشت روانی بیشتر سوق می‌دهد و از بروز این بحران در خانواده پیشگیری می‌کند.

- آبراهامز، اسپرینگ. (۱۳۸۰)، پیوند زخم‌خورده (ترجمهٔ مرجان فرجی)، تهران، انتشارات فردوسی.
- امینی قمی، محمد. (۸۱-۱۳۸۰)، پژوهش رابطهٔ بین بیان آزاد احساسات و رضایت زناشویی، دانشگاه آزاد روهن.
- پروینیان، پریناز سادات. (۱۳۸۳)، پژوهش بررسی رابطهٔ بین ارضاء جنسی با رضایت زناشویی، پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد مشاوره، دانشگاه آزاد رودهن.
- دهقان، فاطمه. (۱۳۸۰)، پژوهش مقایسهٔ تعارضات زناشویی زنان متقاضی طلاق با زنان مراجعه‌کننده برای مشاورهٔ زناشویی، پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه تربیت معلم.
- کاوه، سعید. (۱۳۸۳)، روانشناسی بی‌وفایی و خیانت، تهران، انتشارات هنرسرای اندیشه.
- Buss, David M.; Larsen, Randy J.; Westen, Drew & Semmlroth, Jennifer. (1992, July), **Sex-differences in Jealousy Evolution, Physiology, and psychology**, Psychological Science 3 (4).
- Glass, Shirley P. & Wright, Thomas L. (1985), **Sex differences in Type of Extramarital Involvement and Marital Dissatisfaction**. Sex Roles 12(9/10).
- Loumann, Edward.; Gogon, John H.; Micheal, Robert T. & Micheals, Stuart. (1994), **The Social Organization of Sexuality**, Chicago, University of Chicago Press.
- Lusterman, D-D. (1995), **Treating Marital Infidelity**, Hand Book of Family Psychology and Systems Theory. Washington. DC, Psychological Association .
- Lyton Tholl, Debbil. (2003), **Completed Her Dissertation on the Topic of Extramarital Affair**. Dissertation.
- Rubinstion-Nabarro, N. (1997), **Systemic Insight and the Couple Seesaw Effect in Couple and Family therapy**, Feelings and Systems in the Italian : sentimente e systemic, Italy, Raffaello Cartina Editore.
- Rubinstein Nabarro, N. & Ivanir Sara. (1999), **In Terapia Delle Coppie di Mezza eta in Crisiper ana Relazione Extraconiugale** .
- Whisman, Mark A.; Dixon, Amy E. & Johnson, Benjamin. Therapists' Perspectives of Couple Problems and Treatment Issues in the Practice of Couple Therapy. Unpublished manuscript.